

تربیت الهی کودکان یمانی



«... اما در خصوص امور دینی، به عنوان مثال کودک را وادار به بیشتر از نماز جماعت همراه با والدینش نکنید. آرام آرام او را تشویق کنید که دو رکعت نماز به تنهایی بخواند و در آن برای رفع نیاز معینی دعا کند و هنگامی که احساس کند نیازش برآورده شده است ارتباطش با خدا قوی می شود و ایمان آرام آرام در قلبش رسوخ می کند.»

سید احمد الحسن رحمته الله علیه، پاسخ های فقهی (مسائل متفرقه)، جلد ۳، پرسش ۱۴۸



سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پرسش و پاسخ

فهرست

- ۳..... معرفی کتاب روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان
- ۵..... تفسیر مقارن | قسمت اول
- ۸..... شش نکته در لزوم وجود فرستاده
- ۱۱..... علم آموزی به کودکان
- ۱۳..... تکامل حیات یک واقعیت بدهی است
- ۱۵..... پاسخ به شبهه «مرگ جاهلیت»
- ۱۷..... آیا تزریق واکسن کرونا واجب است؟



هفته‌نامه زمان ظهور

شماره ۱۱۳، جمعه ۱۴ آبان ۱۴۰۰، ۲۹
ربیع الاول ۱۴۴۳، ۵ نوامبر ۲۰۲۱
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه‌های ارتباطی:
www.zamanezohoor.com



هرگونه برداشت از هفته‌نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

معرفی کتاب

روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان

نوشته سید احمد الحسن علیه السلام

صورت سؤال را تصحیح کرده و جواب شمولی با تفصیل متمرثمر ارائه فرموده‌اند.

برای مثال، ایشان هیچ وقت مسئولیت را از دوش طبقه‌ای از طبقات جامعه برنداشتند و همه را مسئول اعمال و کردار خود دانستند.

ایشان در کتاب روشنگری مراحل و روند نوع برخورد رسولان با عوامل و اسباب انحراف را به‌خوبی روشن می‌کند. در بررسی دعوت نوح علیه السلام برای مقابله با جامعه چند راهکار را بیان می‌نماید. از جمله می‌فرمایند: صبر پیشه کردن در نشر حقیقت یکی از ابزارهای مهم رسولان و مؤمنان است.

در دعوت حضرت ابراهیم علیه السلام گام را فراتر نهاده و مبارزه شکل دیگری به خود می‌گیرد و بر بت‌ها و علمای بی‌عمل چنان می‌تازد که او را به مرگ محکوم می‌کنند. و سپس با گذر از دعوت‌های فرستادگان الهی موسی علیه السلام

بررسی حیات طیبه فرستادگان به‌وضوح بیان می‌دارد که در میدان کارزار بین دعوت‌های الهی و سرسپردگان طواغیت هر زمان، بیان حقایق و تبیین شبهاتی که باعث انحراف توده‌ها می‌شود از چنان اهمیتی برخوردار است که سرنوشت امت در طول تاریخ تغییر ریشه‌ای پیدا کرده است.

یکی از راهکارهای قائم آل محمد سید احمد الحسن علیه السلام جهت روشنگری و بیداری مردم، بیان سنت‌های الهی از خلال بررسی دعوت‌های پیامبران بوده است.

چرا؟!

چون متأسفانه امت‌ها تجربه‌های امت‌های قبل را در خصوص دعوت‌های الهی تکرار می‌کنند. سید احمد الحسن علیه السلام برخلاف دیگران در صدد پاک کردن صورت مسئله برنیامدند؛ بلکه در بیشتر اوقات حتی

سید احمد الحسن علیه السلام:

از شیطان و هوای نفسانی بر حذر باشید و از آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله از جانب خداوند سبحان برایتان به ارمغان آورده است پیروی کنید. خداوند تمامی گناهان را می‌آمرزد، اما از گناه شرک در نمی‌گذرد.
(سرگردانی یا راه به‌سوی خدا، مبحث سرگردانی در امت اسلام)



حکایت از درک عمیق ایشان از نیاز همه اقشار جامعه جهت ایمان آوردن به دعوت الهی دارد. در این کتاب، ایشان نه آنچنان قلم فرسایی کرده که علم خود را به رخ دیگران بکشد و نه کوتاه سخن گفته که خواننده به مقصود وی دست نیابد.

و عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله در بخشی دیگر از کتاب به این سؤال پاسخ می دهند که چرا همیشه همراه فرستادگان، بر جوامع عذاب نازل می شود و به اسباب عذاب، نشانه های عذاب و وقوع آن می پردازند؛ و با خواندن این کتاب پی خواهید برد که سلاست و روان نویسی آن

مسئله در خور توجه دیگر در این کتاب، این است که این کتاب به مثابه نقشه راهبردی برای مؤمنانی است که در رکاب حجت الهی به تبلیغ دعوت الهی مشغول اند.

آموزه های سید احمد الحسن علیه السلام وقتی اهمیت خود را نشان می دهد که شما با انواع تهمت ها و تهدیدها و آدم های غفلت زده روبه رو می شوید و در زمان حاضر فقط مردمان جای خود را به دیگران از نسخ خود داده اند که متأسفانه به نقل از سید یمانی که در خطبه محرم فرموده بودند حتی عبارت های پیشینیان خود را تغییر نمی دهند.

لذا صبر نقش کلیدی را در زمینه تبلیغ بازی می کند.

نقشه راهبردی

مؤمن نباید هیچ وقت از عمل باز ایستد؛ بلکه همچون ابراهیم باید تبر بر دوش گیرد و به جنگ اربابان ظلمت برخیزد و جالب تر اینکه می بینید خود نویسنده سردمدار این حرکت عظیم الهی است.

یمانی آل محمد صلی الله علیه و آله در بخش دیگری از این کتاب به نقش ایمان به غیب می پردازد و قصه حضرت یوسف علیه السلام را در سه بخش مطرح می کند و رؤیا و جایگاه ارزشمند آن را در تشخیص خلیفه الهی در کنار نص بیان می فرماید.

مخلص کلام:

کتاب روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان عبارت است از نقشه راه جهت برون شد منتظران از امتحانات سخت به هنگام روبه رو شدن با دعوت های الهی است.

در این کتاب سره از ناسره باز شناخته شده است که دیگر این تجربه ها تکرار نشود و یوسف فاطمه بتواند با یاران وفادار خویش آرزوی دیرینه پیامبران و اولیای الهی را تحقق بخشد. ولایت مداری و شناخت، ابزار روشنگری در جهت ایمان به دعوت های الهی و عقب نماندن از قافله الهی خواهد بود. به قلم: سید علاء علوی



سید احمد الحسن علیه السلام:

اگر خواستار بازگشت واقعی به اسلام ناب محمدی هستیم، باید به هر آنچه محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله برایمان به ارمغان آورده است ایمان بیاوریم؛ به تمام اسلام و احکام آن، نه اینکه تنها به احکامی که موافق با خواسته هایمان است ایمان آوریم و دیگر احکام را واگذاریم. (سرگردانی یا راه به سوی خدا، مبحث سرگردانی در امت اسلام)



تفسیر مقارن

استاد ضیاء زیدی آیه اول ا قسمت اول



«و صدای خود را پایین بیاور و آن را بلند و طولانی نکن، یعنی بدترین صداها صدای الاغ است.»
و از ابی عبدالله روایت است: «آن عطسه‌ای بلند و زشت است و مرد صدای خود را بلند می‌کند و آن بلندی زشت صداست مگر آنکه در حال دعا یا قرائت قرآن باشد.» (۲)

تفسیر فیض کاشانی:

اما فیض کاشانی در تفسیر، با او همراهی می‌کند و می‌گوید:
در رفتار خود میانه‌رو باش: در میان خزیدن و شتاب گرفتن، حرکت کن یعنی شتاب نکن؛ و از صدای خود بکاه یعنی آن را کوتاه کن و کمی: یعنی آن را بالا نبرد؛ بدترین صداها و وحشتناک‌ترین آن‌ها صدای الاغ است. در کافی از صادق علیه السلام روایت شده است وقتی درباره آن سؤال شد فرمود: «عطسه زشت است.» (۳)

برهان در تفسیر قرآن:

اما شیخ بحرانی در تفسیر خود (برهان در تفسیر قرآن) در حدود روایات توقف کرده است و نظر و تفسیری نداده است؛ مگر اینکه روایت اهل بیت علیهم السلام را آورده است:

آیه نخست:

نخستین چیزی که شروع می‌کنیم این آیه کریم قرآنی است:

(ان انكر الاصوات لصوت الحمير) (همانا بدترین صداها صدای خران است). (۱)

آیه در تفسیر مفسران به طور عام همه مفسران به یک چیز توافق دارند. تحقیر و انکار در آیه کریمه به خاطر صدای این حیوان معروف است؛ از این رو در تنگنا افتادند و با کتاب و سنت در موارد زیادی مخالفت کردند. اول از باب عدم تفسیر به رأی و از باب دیگر مخالفت با الگوی قرآنی و باب سوم مخالفت با آنچه از اهل بیت عصمت وارد شده است؛ و این به زودی خواهد آمد و با نخستین تفسیرهای برگزیده شروع می‌کنیم:

تفسیر مجمع البیان:

در تفسیر مجمع البیان شیخ طبرسی بیان می‌شود این بر حیوان الاغ مادی است؛ با علم به اینکه اهل بیت بر منظور دیگری غیر از حیوان معروف تأکید دارند. او می‌گوید:

سید احمد الحسن علیه السلام:

عیسی علیه السلام درباره یوحنا (یحیی) گفته که او، ایلیا یا مثل ایلیاست؛ (ولی اکنون به شما می‌گویم که ایلیا آمده است و او را نشناختند؛ بلکه آنچه خواستند با وی انجام دادند؛ به همین صورت، پسر انسان نیز از ایشان آزار و اذیت خواهد دید). [انجیل متی، اصحاح ۱۷]
(وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام در تورات، انجیل و قرآن)



زیبایی دور می شود؛ زیرا با صداها ی زشت الاغان شباهت دارد (بدترین صداها صدای الاغان است) که باعث آزار می شود و در بیشتر موارد انسان را به اضطراب عصبی می کشاند. (۸)

محمد جواد مغنیه در کاشف:

سپس شیخ محمد جواد مغنیه و با نقل قول از دیگران در تفسیر کاشف می نویسد او می گوید:

... (زشت ترین صداها صدای الاغان است) و زشت ترین یعنی وحشتناک ترین و بدترین و در آن اشاره ای است به اینکه بالا بردن صدا بیش از نیاز، نشانه حماقت است و پایین آوردن صدا به طوری که مختل کننده باشد هم همین طور است و کسی که قصد میانه روی و اعتدال در چیزی داشته باشد راه را شناخته است و میانه روی در صدا اگر در جای خود باشد باعث زیبایی کلام می شود، وگرنه سکوت زیباتر و کامل تر است؛ و از آنچه در توصیف لقمان آمده است اینکه بسیار می شنید و اندکی سخن می گفت و وقتی سخن می گفت کلمه او مانند دُرّی در میان سنگریزه ها بود و شایسته است در برابر چنین چیزی سکوت کنیم و گوش دهیم.

اما کسی که می گوید: وقتی کلام از جنس نقره است سکوت از جنس طلاست، یعنی سکوت از باطل و تجسس کردن؛ وگرنه کلمه حق، نور و جهاد است، به خصوص وقتی ضد ظلم و جور باشد؛ و در حدیث آمده است: حضرت فاطمه در خطبه خود فرمودند: «کسی که از حق سکوت کند شیطان لال است.» (۹) (۱۰)

تفسیر نمونه در تفسیر قرآن کریم:

اما ناصر مکارم شیرازی در نکته یابی به حق نزدیک می شود و در نکاتی دیگر از حق دور می گردد. ببینیم درباره این آیه چه می گوید:

(در رفتار خود میانه رو باش و از صدای خود بکاه! بدترین صداها صدای الاغان است) این دو آیه در حقیقت به دو صفت، امر کرده است و از دو صفت نهی می کند: نهی از تکبر و خودپسندی. بلکه یکی از اینها سبب می شود انسان بر بندگان خدا تکبر کند و دیگری منجر به این می شود که انسان تصور کند در مرتبه کمال و بالاتر از دیگران است و با وجود اینکه این دو صفت غالباً همراه با هم هستند و اصل مشترکی دارند، گاهی از هم جدا هستند.

و به رعایت اعتدال در کار و سخن امر کرده است؛ زیرا

(شیخ درباره سخن خدای تعالی (ان انکر الاصوات لصوت الحمیر) (همانا بدترین صداها صدای خران است) می گوید: کسی از امیرالمؤمنین درباره معنی این الاغ پرسیده است ایشان فرمود: «خدا گرامی تر است از آنکه چیزی را بیافریند و آن را ناپسند بدارد؛ بلکه، وی زریق است و رفیقش، در تابوتی از آتش آن دو به صورت دو الاغ هستند. وقتی در آتش به صدا آیند (صدای الاغ) اهل آتش از شدت صدای آن ها آزرده می شوند.» (۴)

محمد بن یعقوب از احمد بن کوفی از علی بن الحسن از علی بن اسباط از عمویش یعقوب بن سالک از ابی عبد بکر حضرمی روایت کرده اند از ابی عبدالله درباره سخن خدای عزوجل که (همانا بدترین صداها صدای خران است) سؤال کردم فرمود: «عطسه زشت و قبیح.» (۵)

سید طباطبایی در المیزان:

اما سید محمدحسین طباطبایی صاحب المیزان در تفسیر (المیزان فی تفسیر القرآن) از خطی که پیشینیان او رسم کردند بیرون نرفت. ایشان می گوید:

(... سخن خدای تعالی: (و در رفتار خود، میانه رو باش و از صدای خود بکاه. همانا زشت ترین صداها صدای الاغان است) میانه روی در چیزی یعنی اعتدال در آن است و (غض) بر اساس معنی راغب یعنی کم کردن نگاه و صدا؛ پس غض صوت یعنی نقصان و کوتاه بودن آن و معنی، اینکه در رفتار خود متعادل باش و صدای خود را کوچک و کوتاه کن (همانا زشت ترین صداها صدای الاغ است) زیرا الاغ صدای خود را خیلی بالا می برد. (۶)

بعد از این، سید طباطبایی روایت قبلی را از مجمع البیان ایراد می کند و چیزی بر آن اضافه نمی کند. (۷)

تفسیر از وحی قرآن:

اما سید محمدحسین فضل الله در تفسیر خود (از وحی قرآن کریم) می گوید:

... (و از صدای خود بکاه) چون بالا بردن صدا غیرعادی است و نشانه حالت متوازن نیست؛ زیرا صدا وسیله طبیعی است که برای آسان کردن فرایند مخاطب قرار دادن و فهم دوجانبه به کار می رود و آنچه اینها را محقق کند برای آن، کافی است؛ اما آنچه زیاد بر آن است به بی خردی و آزار دیگران می رسد و اینها کسانی هستند که نیاز به آرامش و آسایش و کم کردن غوغای روزانه داشته اند و صدای بلند از همه اینها ممانعت می کند؛ علاوه بر این، صدا هرگاه بلندتر شود از ذوق هنری و

سید احمد الحسن (علیه السلام):

به طور قطع امکان ندارد حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بعد از رحلتش به سوی خداوند، آیات خداوند را بر

دیگران (نسل های بعدی) بخواند، پس باید بعد از او فرستاده ای باشد.

(وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) در تورات، انجیل و قرآن)



وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿١٩﴾

سورة لقمان

حالی که فریادزدن برخلاف آن است و چه بسیار فرد صدای خود را بالا می برد و زیاد سروصدا می کند تا شریطی را ایجاد کند که مردم را به صورتی وادار می کند افکار او را بپذیرند و درست اینکه دیگران افکار را به خاطر محتوایش و نه وسایل اعلام آن بپذیرند! پس دلیلی برای فریادزدن نیست و صاحب اندیشه اشتباه نیاز به فریادزدن دارد تا جایگزینی بر محتوای خالی بیاورد.

(زشت ترین صداها صدای الاغان است) زیرا باعث نفرت دیگران از کسی می شود که این صدا را درمی آورد و در سنت از امام صادق روایت شده است: در تفسیر این آیه فرمود: «آن صدایی بلند و زشت است و مرد صدایش را با صدای زشتی بلند نمی کند، مگر آنکه این صدای بلند دعا باشد یا قرآن بخواند (۱۲)» (۱۳)

با ما همراه باشید در تفسیر سید احمد الحسن به طور خاص...
ادامه دارد...

پانوش:

۱. سوره لقمان: آیه ۱۹.
۲. مجمع البیان: ج ۴، ص ۳۱۹.
۳. تفسیر صافی: ج ۴، ص ۱۴۶.
۴. مجمع النوری مرندي: ص ۲۲۲.
۵. تفسیر برهان: جلد ۴.
۶. تفسیر المیزان: ج ۱۶، ص ۲۳۰.
۷. تفسیر المیزان: ج ۱۶، ص ۲۳۲.
۸. از وحی قرآن: ج ۱۸، ص ۲۰۸.
۹. تهذیب شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید المعتزلی، عبدالهادی شریفی، ج ۱، ص ۳۷۶.
۱۰. کشف: ج ۶، ص ۱۵۸.
۱۱. تفسیر نمونه: ج ۳، ص ۴۲.
۱۲. مجمع البیان: ج ۴، ص ۳۱۹.
۱۳. از هدایت قرآن: ج ۱۰، ص ۱۳۷.

تأکید بر اعتدال در رفتار یا صدا کردن، در حقیقت از باب مثال است و حقیقت این است که انسانی که از این چهار نصیحت پیروی کند موفق و رستگار و پیروز و نزد خدا عزیز و نزد مردم محبوب است؛ و آنچه باید توجه شود این است که ممکن است در محیط خود، صداهایی بدتر از صدای الاغ بشنویم؛ مانند صدای برخورد برخی قطعه های فلزی بر برخی دیگر و در اینجا انسان در زمان شنیدن، احساس می کند گوشت بدنش فرومی ریزد.

این صداها صفت عمومی ندارد؛ همچنین بین صداها زشت و آزاردهنده تفاوت وجود دارد و مهم و حق اینکه صدای الاغ، از همه صداها عادی ای که انسان می شنود بدتر است و شبیه فریاد و نعره افراد مغرور و نادان است؛ و زشتی از جهت بلندی صدا و الگوی آن نیست، بلکه از این جهت است که گاهی بی علت است؛ زیرا برخی مفسران می گویند صدای حیوانات برای نیاز، بیان و تعبیر می شود؛ ولی این حیوان گاهی بدون هیچ توجیه و سبب و نیاز یا مقدمه، صدا می کند و در وقت و محل آن و در غیر محل آن، صدا می کند و شاید آنچه در برخی روایات آمده است که الاغ هرگاه صدایش بلند شود شیطان را دیده است به این سبب باشد؛ و برخی می گویند: فریاد هر حیوان، تسبیح است غیر از صدای الاغ؛ و به هر صورت ما اگر از این کلمات بگذریم این حقیقت که صدای الاغ در میان صداها زشت است قابل انکار نیست و وقتی در روایات نقل شده از امام صادق دیدیم که این آیه را به عنوان عطسه ای توصیف می کند که صدای بلندی دارد یا فریادی در زمان تکلم و سخن گفتن، در حقیقت مصداقی واضح بر آن است. (۱۱)

تفسیر از هدایت قرآن:

اما محمدتقی مدرسی در تفسیر خود می گوید:
(از صدای خود بکاه) زیرا آرامش، دلیل عقل است؛ در

سید احمد الحسن ر.ه:

امام مهدی ع و عیسی و ایلیا و خضر ع در قیامت صغری می آیند؛ قیامتی که حساب، عذاب و نعمتی است برای ظالمان.

(وصی و فرستاده امام مهدی ع در تورات، انجیل و قرآن)

شش نکته در

لزوم وجود فرستاده

یکی از باورهای مسیحیان این است که معتقدند بعد از عیسی علیه السلام، مسیحیان دیگر نیازی به شخص دیگری نداشتند و ندارند؛ اما این سخن تا چه حدی صحیح است؟
در پاسخ به این باور نکات زیادی را می توانیم به آن ها بگوییم؛ و می شود در ابتدا به آنان گفت که:

اول

اگر

نیازی به شخصی بعد از عیسی نبود، پس مخالفت خودتان را با سخن عیسی اعلام کرده اید؛ چراکه پطرس از سوی عیسی مسیح مأمور نگهداری از مؤمنان و خوراک دادن به آن ها شد؛ در یوحنا، فصل ۲۱، آیات ۱۵ تا ۱۷ می خوانیم: (...بزه های مرا خوراک بده... گوسفندان مرا شبانی کن... گوسفندان مرا خوراک ده). پس این ردی بر تفسیر کسانی است که معتقدند بعد از عیسی دیگر نیازی به شخص دیگری نیست

دوم

وجود

فرستاده پس از رفع عیسی علیه السلام و حتی پس از پطرس یا یوحنا ضرورت داشته است؛ چراکه پدران کلیسا حتی در اینکه چه کتبی باید جزو کتاب مقدس باشد با یکدیگر اختلاف پیدا کردند. پس باید فصل الخطابی وجود می داشت! به عنوان مثال آئینژیوس «استر» را جزو کتب عهد قدیم نمی دانست، اما گریگوری نازیانزن آن را جزو عهد قدیم می دانست. یا مثلاً گریگوری نازیانزن کتاب «مکاشفه» را جزو عهد جدید ندانست، اما آئینژیوس آن را جزو عهد جدید می دانست.

سید احمد الحسن علیه السلام:

مهدی اول که طبق روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، نامش احمد است، فرستاده امام مهدی علیه السلام و وصی و نیز دست راست وی و اولین کسی است که در آغاز ظهورش، قبل از اینکه با شمشیر قیام کند به وی ایمان می آورد.

(وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام در تورات، انجیل و قرآن)



و در تفسیر آدام کلارک آمده است: «شاید این به سندهرین کوچک تر در اورشلیم مربوط است که از بیست و سه پیر تشکیل شده بود؛ یا به شاهزادگان بیست و چهار دوره کاهنان یهودی که در خیمه و معبد خدمت می کردند، که ابتدا توسط داوود منصوب شده بودند.»



و در تصاویر کلام رابرتسون در عهد جدید می خوانیم: «ما واقعا نمی دانیم چرا این شماره انتخاب شده است! شاید دو پیر برای هر قبیله، شاید دوازده قبیله و دوازده رسول (یهودیت و مسیحیت) شاید ۲۴ دوره از فرزندان هارون (۱ تواریخ ۲۴: ۱-۱۹) شاید برخی رتبه فرشته ای (کولسیان ۱: ۱۶) که ما از آن هیچ چیز نمی دانیم. مقایسه کنید با افسسیان ۲: ۶.»



البته مثال های زیاد دیگری از اشتباهات مسیحیان وجود دارد؛ مثلاً مفسرین مسیحی عقیده داشتند و تا الان هم عقیده دارند که منظور از آن «شاخه» در اشعیا ۱: ۱۱ عیسی مسیح است؛ در حالی که اوصاف این شخصیت بر عیسی مسیح منطبق نیست و احمد الحسن در کتاب «سیزدهمین حواری» با دلایل متعدد نشان می دهند که چرا ممکن نیست این شخصیت، عیسی باشد.

سوم

وجود

فرستاده مهم است؛
چرا که مردم به تفسیر صحیح
نیاز دارند؛ مثلاً وقتی به تفسیر مفسرین
مسیحی درباره آن «بیست و چهار پیر» که
ذکرشان در مکاشفه، فصل چهارم آمده، رجوع
می کنیم، می بینیم جدا از اینکه تفاسیر اشتباهی
را بیان کرده اند، همچنین با یکدیگر اختلاف هم
داشتند! یا برخی هم با تردید تفسیر کردند. به عنوان
مثال در تفسیر ویلیام مک دونالد می خوانیم:
«ما با اطمینان نمی توانیم بگوییم که
بیست و چهار پیر چه کسانی هستند.»
(تفسیر کتاب مقدس برای
ایمان داران)

چهارم

وجود

فرستاده مهم است؛ زیرا
کتاب مقدس پر است از تناقضات
و اشتباهات. پس نیاز به روشنگر بود
تا حقیقت را بگوید؛ برای مثال می توانید
به اختلاف گزارشات درباره دعای دوم عیسی در
لحظات پایانی و قبل از رفع ایشان اشاره کرد که
با مقایسه آنچه که در متی، فصل ۲۶ و مرقس،
فصل ۱۴ موجود است، می شود به تناقض در
دعای دوم پی برد.
این در حالی است که مسیحیان معتقدند
که این اناجیل به الهام خدا نوشته
شده است.

سید احمد الحسن علیه السلام:

امام مهدی محمد بن الحسن العسکری علیه السلام از ناحیه مادری جزو نوادگان اسرائیل (یعقوب علیه السلام) و از ناحیه پدری از نوادگان محمد علیه السلام به شمار می رود؛ پس اینکه حضرت مهدی علیه السلام شاخه ای از تنه یسعی است، بر او صدق می کند.

(وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام در تورات، انجیل و قرآن)

پنجم

وجود

فرستاده مهم است؛ چراکه مثلاً مسیحیان تا همین قرون اخیر یعنی تا قبل از اینکه دست نوشته های قدیمی کشف شود فکر می کردند که آیه هفتم از فصل پنجم رساله اول یوحنا این گونه است: «زیرا سه هستند که در آسمان شهادت می دهند: پدر، کلام، و روح القدس؛ و این سه، یک هستند.» در حالی که عبارت «... در آسمان ... پدر، کلام، و روح القدس؛ و این سه، یک هستند» در دست نوشته های قدیمی واتیکانیه و سیناییه که مربوط به قرن چهارم اند وجود ندارد! حتی مثلاً (یوحنا ۷: ۵۳ تا ۸: ۱۱) در دست نوشته های سیناییه و واتیکانیه موجود نیست! جدا از این، حتی دست نوشته های قدیمی با یکدیگر اختلاف دارند! پس فرستاده ای از سوی خدا باید باشد تا حکم کند! حال اینکه کلیسا دست به دامن اکتشافات این نسخه هاست! به جای اینکه اقرار کند که باید فرستاده ای باشد تا هدایتشان کند.

ششم

و

می گوییم: ضرورت وجود فرستاده خدا را حتی مسیحیان هم به آن اقرار می کنند. وقتی برای خود بزرگ دینی نصب کردند تا برای آنان قانون گذاری کند، پس به صورت عملی اقرار می کنند، اگرچه در زبان انکارش کنند؛ و عجیب اینکه به نصب الهی و آن کسی که دین حقیقی الهی را برایشان نقل می کند کافر شدند و خودشان کسانی را نصب کردند که برای آن ها از طریق ظن و گمان و خواسته های نفسانی، در آنچه نص صریحی از سوی خدا نزدشان وجود ندارد تشریع و قانون گذاری کنند؛ همچنین با این رفتار خود به ضرورت نصب خلیفه خدا اقرار کرده اند و نیازشان را به آن خلیفه جهت نقل علم الهی و حکم حقیقی خدا در هر مسئله ای اعلام کردند.

در نتیجه این باور که مسیحیان معتقدند پس از عیسی علیه السلام نیازی به وجود فرستاده الهی نداریم، صحیح نیست.

سید احمد الحسن علیه السلام:

ما به عنوان مسلمان، بر این عقیده اتفاق نظر داریم که شرع و قانون در این زمان، همان دین اسلام، دین پایان دهنده ادیان است و خداوند سبحان و متعال، امامان عادل و پاک و معصوم را تعیین فرمود تا با قسط و عدالت، به امور دین و دنیا بپردازند. (سرگردانی یا راه به سوی خدا، مبحث اسلام و سیاست و حکومت)



علم آموزی به کودکان

آل محمد ﷺ که غذایی هست برای روح، برطرف کنیم؛ اما در بُعد جسمانی و علوم بشری سخن ها بسیار و کلام اشباع شده است؛ گویا پرداختن بر علوم روحانی از دید ما انسان ها دور مانده در صورتی که هدف از خلقت چیز دیگری بود.

خداوند سبحان می فرماید: **(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (و من جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند).** (ذاریات، ۵۶)

و ما باید این پرستش و شناخت و معرفت را از طریق علم الهی کسب کنیم.

پس باید بدانیم که این شناخت و معرفت از زمان کودکی باید انجام شود تا در وجودمان ریشه دار شود.

سید احمد الحسن ﷺ در سیره تربیتی و آموزشی فرزندان می فرمایند:

«... می توان به کودک یا نوجوان، تحقیق کردن را آموخت

از دیرباز تاکنون نیاز بشر بر یادگیری علم و به عمل رساندن علوم بوده است. انسان از بدو تولد در چهارچوبی قرار می گیرد که به صورت خواسته یا ناخواسته در معرض آموزش است و طبق قوه اختیار و نیاز، آن علوم را در معرض عمل قرار می دهد تا بتواند به نیازهای خود دست پیدا کند و به اهدافی که دارد برسد. حال سؤال به وجود می آید.

شخصی که علم را می طلبد و طالب علم است چه باید کند؟

باید بدانی که **علم نوری است در قلوب ما و علم حقیقی همان علم محمد و آل محمد ﷺ است؛** پس باید از کودکی تا نوجوانی و جوانی در مسیری رشد پیدا کنیم که در کنار علوم مادی که جسم ما برای برطرف کردن نیاز مادی به آن نیازمند است، نیاز روحانی خودمان را با علوم

سید احمد الحسن ﷺ:

با وجود اینکه نظام حکومتی آمریکا به ظاهر دموکراسی است، با مردم دنیا با بدترین روش های دیکتاتوری و زورگویی رفتار می کند و این تناقضی است واضح!
(حاکمیت الله، نه حاکمیت مردم)



خداوند از همه انسان ها خواسته علم حقیقی را فراگیرند؛ زیرا انسان با علم حقیقی می تواند به معرفت حقیقی و به مقام خلیفه الهی برسد.

انسان

سید احمد الحسن علیه السلام می فرمایند:

«انسان به بعضی از آن قابلیت و استعدادی که خداوند در او ودیعه نهاده بود، عمل کرد؛ چون او انسان بود و انسان دارای قابلیت وسیع تر و عظیم تر بود؛ وی بر صورت خدا خلق شده، یعنی بر معرفت اسماء خدا سرشته شده و قابلیت آشکار کردن نام های خداوند برای خلق در او به ودیعه نهاده شده است.

(اللَّهُ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ). (خداوند آدم را بر شکل و صورت خودش آفرید). (اصول کافی،

ج ۱، ح ۱۳۴).

(عقاید اسلام، و از تو درباره روح می پرسند، مبحث اصل دین)

پس فقط کافی است انسان تفکر کند تا مقدمه ای به دست آورد. باید کسب علم کنیم و قدم دوم برای ارتقا را که همان عمل به علم است برداریم تا به معرفت برسیم و این کسب علم از طرف خداوند سبحان و رسولش واجب شده است؛ زیرا می فرمایند:

«اطلبوا العلم بالصين فان طلب العلم فريضة على كل مسلم.» «دانش را بجوید هر چند در چین باشد؛ چرا که طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است.» (وسائل، الشيعة ج ۲۷، ص ۲۷)

در نتیجه با برداشتن قدم سوم ارتقا که اخلاص است می توانیم هدف را مشخص کنیم؛ زیرا علم و عمل بدون هدف و بدون اخلاص برابر با شکست است و اصلی ترین دلیل و هدف مؤمن حقیقی باید کسب رضایت الهی در یادگیری علم و رساندن علوم به مردم باشد.

به امید روزی که چاقو (دنیا) که سلاح ابلیس (لعه الله) بر شما مؤمنان و مؤمنات نفوذناپذیر باشد و هریک از شما امتی باشید در علم آموزی و نشر علوم قائم آل محمد علیهم السلام.

تا یاد بگیرد و توانایی هایش ارتقا یابد. والدین می توانند او را به تحقیق درباره مباحث معین علمی یا مسائل مربوط به زندگی روزانه یا تاریخی تشویق کنند؛ اما در خصوص امور دینی، به عنوان مثال کودک را وادار به بیشتر از نماز جماعت همراه با والدینش نکنید. آرام آرام او را تشویق کنید که دو رکعت نماز به تنهایی بخواند و در آن برای رفع نیاز معینی دعا کند و هنگامی که احساس کند نیازش برآورده شده است ارتباطش با خدا قوی می شود و ایمان آرام آرام در قلبش رسوخ می کند... **اخلاق پاک را در جان هایشان زنده و در عین حال کمال طلبی را نیز برایشان احیا کنید...**

همچنین می توانید برنامه روزانه برای آن ها تنظیم کنید؛ مثلاً یک ساعت یا نصف ساعت برای حفظ سوره های کوچک قرآن، به این صورت که هر روز آن ها به دنبال شما بخوانند و به مرور سوره ها را حفظ خواهند کرد. برای کودکان بالای ده سال برنامه هفتگی تنظیم کنید؛ مثلاً سه یا چهار روز اجازه بازی نداشته باشند و حتی اگر به آن ها اجازه ورود به اینترنت یا سرگرمی های غیردرسی می دهید برای امور علمی یا تاریخی یا خواندن کتاب یا خواندن موضوعات مخصوص درسی شان یا خواندن داستان های انبیا و ائمه علیهم السلام و شبیه آن ها باشد. به این ترتیب با توجه و تنظیم زمان آن ها نتیجه خوبی از آن ها حاصل می شود؛ اما با کوتاهی کردن، چه بسا منحرف شوند و شما زیان ببینید و در این صورت، زیان شما بزرگ خواهد بود...

گمان نمی کنم کار مشکلی باشد، زیرا در زمانه ما کتاب ها و روش های آموزش اینترنتی به وفور یافت می شود و دسترسی به آن ها به آسانی امکان پذیر است.»

(پاسخ های فقهی (مسائل متفرقه)، جلد ۳، پرسش ۱۴۸)

مولایمان سید احمد الحسن این گونه به علم آموزی فرزندان توجه کردند و ارتقای روح انسان را از کودکی و نوجوانی مهم دانستند.

عزیزانم همان طور که گفته شد علم آموزی از دوران کودکی و نوجوانی بسیار مهم است، اما باید بدانیم یادگیری علوم حقیقی و روحانی فقط به دوران کودکی و جوانی مختصر نمی شود؛

زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«اطلبوا العلم من المهد إلى اللحد.» «از گهواره تا گور، دانش بجوید.» (آداب المتعلمین، ص ۱۱۱)

پس در هر زمان و در هر جایی که هستیم باید قدم اول برای ارتقا را برداریم که آن قدم اول علم آموزی است و

سید احمد الحسن علیه السلام:

دموکراسی به جای اینکه به محدودیت های اعمال شده بر مستعمرات محدودیت هایی مثل منع مبارزه در راه آزادی- پایان دهد، آن ها را شعله ور ساخت و همان طور که همه می دانیم این علتی بود که باعث شد آتش انقلاب آمریکا شعله ور شود.

(حاکمیت الله، نه حاکمیت مردم)



تکامل حیات یک واقعیت بدیهی است

**فاکتورهای مهم در نظریه تکامل کدام اند؟
شواهد و مثال های تکامل در طبیعت را
ذکر کنید.**

مهندسی شده است که سلول های بدن انسان، متفاوت است.

هم کلاسی ام دستش را بالا برد و سؤالی پرسید: سلول ها متفاوت اند؟ معلم با خونسردی جواب داد: آری... مثلاً سلول کبد با روده فرق دارد؛ چون نقشه عملیات ساخت و ساز آن ها متفاوت است... تازه فهمیده بودم که این اطلاعات، همان ژن هایی هستند که نقشه راه را مشخص می کنند.

هم کلاسی شوخ طبعمان در حالی که خودش را قایم کرده بود، گفت: ولی امروزه صدها نوع ماشین، از کمپانی ها و

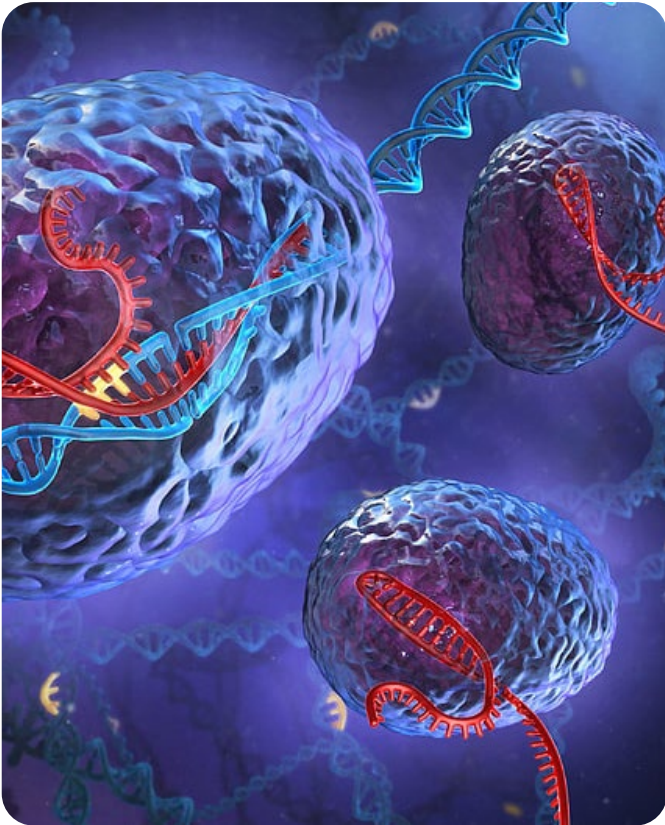
کلاس زیست شناسی شروع شده بود... من وقتی رسیدم که کلاس، سراپا گوش بود... معلم خوش ذوق ما، از تدریس ژنتیک و DNA چیزی کم نگذاشته بود... به ما یاد داده بود که بدن انسان، مانند یک ماشین پیشرفته است... کوچک ترین عضو این ماشین، سلول است؛ که همه اطلاعات این ماشین، موبه مو و دقیق، در این سلول ها به صورت رشته هایی، گدنیوسی می شود... این رشته ها نماد زندگی هستند؛ چراکه اطلاعات تولید پروتئین ها را در خود جای داده، رشد و تولید مثل را فراهم می کنند. تنوع و گوناگونی این سلول ها آن چنان

سید احمد الحسن علیه السلام:

آنچه مرا بسیار رنج می دهد این است که کسی را نمی یابم که از حاکمیت خداوند سبحان و متعال در زمینش دفاع کند. حتی کسانی که به این حاکمیت حق معترف هستند دست از دفاع از آن برداشته اند.

(حاکمیت الله، نه حاکمیت مردم)





تولیدمثل نمودند و نقشه ژنتیکی خود را به فرزندان خود نسل به نسل منتقل کردند. نوبت رسیده بود به فسیل و سنگواره‌ها... سنگواره‌ها شاهدان عامی هستند بر تأیید نظریه تکامل و وارثان خاصی برای تکامل جسم انسان. شاهدانی که با بررسی‌های دقیق روی آن‌ها می‌توان به عمر زمین دست یافت...

معلم روی صندلی نشست و سخنانش را ادامه داد: شروع هستی ساده بوده و از انفجار بزرگ پدیدار شده، سپس به تدریج پیچیده گشته است. سنگواره‌ها نشان می‌دهد گونه‌های مختلف به تدریج از هم جدا شده‌اند و این روند بوده تا شاهد بروز و ثبت سنگواره‌هایی بوده‌ایم که انسان راه‌رونده بر روی دویا را نشان داده‌اند. تصاویر سنگواره لوسی و انسان کنیایی با صورتی پهن، آنچنان حیرت‌انگیز بود که یادمان رفته بود تایم کلاس رو به اتمام است... معلم سخنان پایانی خود را این چنین تمام کرد: همه این‌ها نشان می‌دهد آفرینش به یکباره صورت نگرفته، بلکه در آن، مراحل و تکاملی وجود داشته است؛ تکامل هدفمند، قانونمند و بدیهی است چون نقشه راه آن این گونه است.

کلاس تمام شد؛ ولی من همچنان خیره به تخته سیاه نگاه می‌کردم و مشتاق بودم برای شروع جلسه بعدی...

برندهای مختلف با شکل و شمایل و سائزهای مختلف در بازار دیده می‌شود. بعد از ابراز علاقه مندی‌ها به برندهای مختلف و لبخندی که روی لبان همه نشست بود، معلم نظر ما را به مثلی که روی تخته سیاه کشیده بود جلب کرد... اضلاع سه گانه این مثلث را با سه کلمه «تمایز»، «انتخاب» و «وراثت» مشخص کرده بود و بعد با رنگی متفاوت، داخل مثلث نوشت: «تکامل»...

همه حواس‌ها، میخکوب تخته سیاه و سخنان معلم شده بودند... او گفت: مسئله بسیار ساده است؛ هرگاه «تمایز» به همراه «انتخاب» ما انسان‌ها، «وراثت» و تولید داشته باشیم، «تکامل» اتفاق می‌افتد... همگان توضیح بیشتر در این باره را طلب می‌کردند؛ او ادامه داد: همین مثال ماشین و برندهای مختلف خودرو را در نظر بگیرید... به علت «تمایز» بین ماشین‌ها، انسان‌ها در کشورهای مختلف این کره خاکی، می‌توانند دست به «انتخاب» زده و ماشین و خودروی دل‌خواه خودشان را انتخاب کنند... اما داستان به همین جا ختم نمی‌شود؛ بلکه در طول چند سال، مشتریان این کمپانی‌ها، خواهان تولید خودروهای دیگر، چه بسا با امکانات بهتر هستند. این ماجرا در همه جای طبیعت اتفاق می‌افتد؛ همه ابزار و لوازم آن مهیاست و آن را به واقعیتی کاملاً بدیهی تبدیل کرده است. تمایز بین افراد (یعنی تمایز در نقشه ژنتیکی)، به همراه فرآیند انتخاب در محیط پیرامون ما وقتی با تولیدمثل همراه باشد همه مبانی تکامل اتفاق می‌افتد. وقتی از ژنتیک صحبت می‌شود، باید دید «مزیت و قابلیت» یک سلول، نسبت به «هزینه و انرژی‌ای» که این سلول به کل سیستم (مثلاً بدن انسان) وارد می‌کند، چگونه است... اگر کل سیستم از این «مزیت» بهره‌مند شود، طبیعت هم آن را برمی‌گزیند و باعث تکثیر آن می‌شود. هرچه مزیت مرحله تکاملی نسبت به هزینه‌ای که به کل سیستم تحمیل می‌کند بیشتر باشد، آن سلول بهتر و بیشتر باقی می‌ماند، تکثیر می‌شوند و چه بسا به چشم و گوش و... تبدیل می‌شوند.

باز هم همه‌های در کلاس به پا شده بود... معلممان درصدد بود تصاویری به ما نشان دهد. اولینشان تصویری از تغییر رنگ پروانه‌ها در جریان انقلاب صنعتی بود؛ صرفاً وسیله‌ای برای استتار... دوره زندگی آنان چندان نیست؛ اما نسل‌های متوالی این تکامل را ایجاد کرده بودند. تصاویر بعدی زرافه‌هایی بودند که گردن درازتری نسبت به هم‌نوعان گردن کوتاه خود داشتند؛ این بار صرفاً برای تغذیه کردن و زنده ماندن... اینان جفت‌گیری کردند،

سید احمد الحسن (ع):

در آمریکا یهودیان با پول و ثروت بر جریان انتخابات احاطه دارند و پیروزی حداقل هفتاد درصدی را برای انتخاب شدن کسی که می‌خواهند سکان آمریکا را به دست بگیرد رقم می‌زنند تا به این ترتیب پشتوانه آمریکایی رژیم صهیونیستی استوار بماند.
(حاکمیت الله، نه حاکمیت مردم)





پاسخ به شبهه

«مرگ جاهلیت»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال، ۲۴)

پیروی از رسول، حیات است و حیات بدون شناخت معنی ندارد.

جاهلیت فکری و اخلاقی، ناشی از عدم شناخت مفاهیم و تعالیم آسمانی است؛ بدین خاطر پیامبر ﷺ علی ﷺ را باب شهر علم توصیف فرموده است. از آنجایی که خداوند در سوره نساء آیه ۵۹ اطاعت از رسول خدا و ولی امر را مقرون و در راستای اطاعت از خود می‌داند، لذا امر امامت عهد الهی است که خداوند در آیات قرآن، آن را برای ظالمان منع کرده است.

(وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) (و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور؟]» فرمود: «پیمان من به ظالمان نمی‌رسد.» (بقره، ۱۲۴)

پیامبر نیز به مناسبت‌های مختلف وارثین عهد الهی را معرفی و از آن‌ها با تعبیراتی مانند خلفاء، امراء و نُقباء یاد کرده است.

چرا شیعیان اعتقاد دارند که در صورت عدم شناخت ائمه اهل بیت، مرگ آن‌ها مرگ جاهلیت خواهد بود؟

در ابتدا باید مقدمه را بیان کرد و آن اینکه هرگونه اعتقادی بایستی برگرفته از قرآن کریم و سنت پیامبر باشد؛ چرا که در مسائل اعتقادی شرط لازم، دلیل قاطع در قبول یا عدم قبول مسئله است. بنابراین با رجوع به آیات قرانی و احادیث پیامبر مسئله شناخت و اطاعت به وضوح شفاف خواهد شد. خداوند می‌فرماید: **(وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ)** (و هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به اذن خدا از او اطاعت شود) (نساء، ۶۴).

این اطاعت صرفاً شناخت نیست، بلکه در پی آن پیروی است. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.» «هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است.» مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۴۶

در برخی احادیث به مرگ نفاق و مرگ الحاد و فسق یاد شده است.

چرا؟

به این دلیل که تنها راه رسیدن به سرمنزل مقصود، فقط پیروی از برگزیدگان الهی است.

سید احمد الحسن علی‌ه السلام:

کسی که دموکراسی و انتخابات را می‌پذیرد دیگر هیچ ارتباطی با دین الهی نخواهد داشت و به تمام ادیان و حاکمیت خدا در زمینش کافر خواهد بود.
(حاکمیت الله، نه حاکمیت مردم)



خلفاء:

عن جابر بن سمره: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَىٰ اِثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً - ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَفْهَمْهَا! فَقُلْتُ لِأَبِي مَا قَالَ؟ فَقَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.

جابر بن سمره: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «اسلام پیوسته عزیز خواهد بود تا دوازده خلیفه بر مسلمانان حکومت کنند.» سپس سخنی فرمود که من نفهمیدم، پس به پدرم گفتم پیامبر چه فرمود؟ گفت، فرمود «تمام آن‌ها از قریش‌اند.» (بخاری، صحیح البخاری، ۱۳۱۵ق، ج ۸، ص ۱۲۷، کتب الأحکام، باب الاستخلاف، ح ۷۲۲۳)

امراء:

بخاری به سند خود از جابر بن سمره نقل کرده که پیامبر فرمود: «یکون اثنا عشر امیراً فقال كلمة لم اسمعها فقال ابی: انه قال کلهم من قریش.» [۱] دوازده امیر خواهد بود. آنگاه سخنی گفت که من آن را نشنیدم. پدرم گفت: پیامبر فرمود: «همه آنان از قریش‌اند.» (صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۲۷، کتب الاحکام، باب الاستخلاف، ح ۷۲۲۳)

نقباء:

به روایت احمد بن حنبل (د. ۲۴۱ هـ)، محدث بزرگ اهل سنت، چنین است: مسروق گفت: «ما نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او برای ما قرآن می خواند. مردی به او گفت: یا ابا عبد الرحمن! آیا رسول خدا ﷺ به شما نگفت که بعد از او چند خلیفه خواهند آمد؟ عبدالله گفت: آری [از ایشان پرسیدیم] فرمودند: «خلفای من دوازده نفرند، مانند عدهٔ نقبای بنی اسرائیل.» (ابن حنبل، احمد، مسند، ۳۹۸/۱)

اطاعت از خلفای رسول خدا نجات بخش امت است؛ کما اینکه می بینیم در طول تاریخ مسلمانان هرگز از وجود آنان بی نیاز نبودند.

از همه مهم‌تر اینکه رسول خدا خلافت را در قریش و در بطن بنی‌هاشم قرار داده است. (مصدر: مسند احمد، ج ۴، ص ۲۰۳؛ تلخیص الحیر ابن حجر، ج ۴، ص ۴۲؛ سلسله الصحیحة، البانی، ح ۱۱۵)

عبدالله بن عمر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود: «لا یزال هذا الأمر فی قریش ما بقی من الناس اثنان.» (۱)؛ «همواره امر خلافت در میان قریش است، تا آنگاه که دو نفر انسان در جهان باقی باشند.» (صحیح مسلم، کتاب اماره، باب ۱؛ صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۸ و ج ۹، ص ۷۸؛ فتح الباری، ج ۱۳، ص ۱۱۴ و

۱۱۷؛ سلسله الصحیحة، البانی، ح ۳۷۵؛ سنن بیهقی، ج ۸، ص ۱۴۱؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۹۳، ۱۲۸؛ تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۳۷۲)

از میان آن‌ها اهل بیت هستند که در قرآن با آیات متفاوتی -اعلمیت، طهارت، سزاوردن به امر خلافت- معرفی شده‌اند.

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ). (ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند). (مائده، ۵۵)

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند). (احزاب، ۳۳)

امام علی در خطبهٔ دوم نهج البلاغه می‌فرماید: «لَا يَقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ ﷺ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَ لَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ أَساسُ الدِّینِ وَ عِمَادُ الْیَقِینِ إِلَیْهِمْ یَفِیءُ الْعَالِی وَ بِهِمْ یُلْحَقُ الْتَالِی وَ لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوِلَایَةِ وَ فِیْهِمُ الْوَصِیَّةُ وَ الْوِرَاثَةُ.» «کسی را با خاندان رسالت نمی‌شود مقایسه کرد و آنان که پروردهٔ نعمت هدایت اهل بیت پیامبرند با آنان برابر نخواهند بود. عترت پیامبر اساس دین، و ستون‌های استوار یقین هستند. شتاب‌کننده، باید به آنان بازگردد و عقب‌مانده باید به آنان بپیوندد؛ زیرا ویژگی‌های حق ولایت به آن‌ها اختصاص دارد و وصیت پیامبر نسبت به خلافت مسلمین و میراث رسالت، به آن‌ها تعلق دارد.»

به طبع ما پیروان اهل بیت به اطاعت از قرآن و پیامبر، از امام علی و اهل بیت تبعیت کردیم. اهل بیتی که حیات طیبه الهی را برای امت به ارمغان آوردند. حجت‌های الهی که خداوند حجت خویش را به وسیلهٔ آن‌ها بر مردم تمام می‌کند.

(وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا یُوقِنُونَ). (و برخی از آنان را چون صبر کردند و همواره به آیات ما یقین داشتند، پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند). (سجده، ۲۴)

در مقابل، اهل سنت هستند که برای پیروی از ائمه خویش باید مدرک و دلیل بیاورند؛ وگرنه مرگ آن‌ها مرگ جاهلیت خواهد بود. به قلم سید علاء علوی

سید احمد الحسن (علیه السلام):

با وجود اینکه امروز همگی چه علما و چه عموم مردم به حاکمیت مردم و انتخابات فرامی‌خوانند، بیشتر آن‌ها به این مطلب معترف هستند که جانشین خدا در زمینش همان صاحب واقعی است؛ ولی این اعتراف صرفاً به عنوان یک عقیدهٔ ضعیف باقی مانده است. (حاکمیت الله، نه حاکمیت مردم)

آیا تزریق واکسن کرونا واجب است؟



پرسشی در خصوص انواع واکسن های ویروس کرونا و عوارض جانبی آن و پاسخ سید احمد الحسن علیه السلام

بسیاری از برادران از کشورهای مختلف از بنده در خصوص دریافت واکسن ویروس کرونا سؤال پرسیده اند؛ به خصوص عده ای از آن ها که در حوزه بهداشت و سلامت یا دیگر حوزه هایی هستند که ملزم به تزریق این واکسن هستند. شما در این خصوص چه نصیحتی می فرمایید؟

به طور کلی دریافت واکسن مسئله ای شرعی یا دینی نیست؛ ولی به عنوان یک نصیحت عرض می کنم: کسی که از امکان دریافت واکسن فعال و در حد خوبی بی خطر برخوردار است، به خدا توکل کرده و خود و خانواده اش را واکسینه می کند. واکسن های بی خطر بسیاری وجود دارند؛ مثل واکسن شرکت فایزر، واکسن مودرنا و نیز واکسن چینی که واکسن خوبی است. واکسن هایی نیز با احتمال خطر بسیار اندک یا حتی نادر وجود دارند؛ مثل واکسن آسترانکا؛ که اگر کسی جایگزینی برای این واکسن ها پیدا کند، قطعاً استفاده از جایگزین بهتر است، اما کسی که جایگزینی نیابد، چنین شخصی در وضعیتی قرار می گیرد که احتمال ابتلای او به بیماری همه گیر قابل توجه خواهد بود؛ پس بهتر است واکسینه شود، چه با آسترانکا و چه با هر واکسن دیگری.

همچنین در خصوص مسئله عوارض جانبی واکسن یا به طور کلی- داروها، چه در خصوص این بیماری و چه دیگر بیماری ها، چنین مسئله ای بالقوه، امکان پذیر است؛ اما برای شخصی که در شرایط اضطرار قرار دارد درست نیست به بهانه وجود آسیبی با احتمال یک در میلیون، از درمان یا واکسن زدن خودداری کند؛ زیرا [در این صورت] او عملاً در برابر احتمال آسیب بزرگتری قرار می گیرد.

سید احمد الحسن علیه السلام ۲۱ رمضان ۱۴۴۲

به نقل از صفحه فیس بوک سید واثق حسینی حفظه الله، ۴ مه ۲۰۲۱



سید احمد الحسن علیه السلام:

اما یهودیان: آن ها این روزها را ایام قیامت صغری می دانند و حتی بیشتر علمای آنان قاطعانه می گویند که این روزها، روزهای بازگشت ایلای علیه السلام و ظهور اصلاحگر جهانی است.
(حاکمیت الله، نه حاکمیت مردم)



پرسشی در خصوص واکسن کرونا و معاشرت

مولای من! برخی برادران از ایران و سوریه از اینکه آیا حکم شرعی زیر شامل آنها می شود سؤال می پرسند:

«در شرایط فعلی، شرعاً جایز نیست بدون استفاده از واکسن بیماری همه گیر [کرونا]، با افراد دیگر همراهی مستقیم داشته باشید و زندگی خود و آنها را به خطر بیندازید.» به خصوص که دسترسی بعضی از آنها به واکسن مثل برادران در ایران - دشوار است.

آیا این حکم برای همه است؟

سخن بنده واضح است؛ و به کسی اختصاص دارد که به واکسن مناسب دسترسی دارد، اما بدون هیچ عذری، از زدن واکسن خودداری، و با دیگران معاشرت می کند و آنها را در معرض آسیب قرار می دهد.

سید احمد الحسن علیه السلام، ۱۶ ذی حجه ۱۴۴۲
بخش علمی مکتب سید احمد الحسن علیه السلام، ۲۸ جولای ۲۰۲۱م



اما در خصوص واکسن؛ ... من رؤیایی دیدم که در آن خداوند به من عنایت فرموده و مرا در آن لحظه از ویروس محافظت کرده است؛ و نیز یک واقعیت وجود دارد که بیان می کند خداوند مرا از ویروس محافظت نموده است. (همان داستانی که برایتان تعریف کردم؛ مبتلا شدن شخصی که به منزل من آمدند)؛ با این حال، امروز وقتی که واکسن مهیا شد من واکسن زدم؛ شاید کسی پرسد برای چه؟

در پاسخ می گویم: خداوند به ما امر می فرماید به اسباب عمل کنیم. هنگامی که نیازمند کمک خداوند سبحان و متعال هستی، خداوند به کمک تو خواهد آمد، حتی اگر برای آن کار نیاز به اعجاز باشد؛ و البته اگر مستحق آن باشی و خداوند آن را بخواهد؛ اما هنگامی که وسایل و اسباب مهیا باشد، در این هنگام سفیهانه است که آن را رها کنی و عمل نکنی و از خداوند سبحان و متعال معجزه و نشانه ای درخواست کنی. هنگامی که تشنه ای و در کنار کاسه ای از آب باشد، سفیهانه است که از خداوند درخواست کنی تو را سیراب کند یا اینکه معجزه ای انجام دهد که تشنگی را از تو دور سازد. این نادانی و کم خردی ادراک است؛ بلکه بی ادبی به خداوند سبحان و متعال است، و متأسفانه این رفتار و راه و روش در گفته های کسانی که معجزه درخواست می کنند بسیار زیاد تکرار می شود.

گویی دین خداوند سبحان و متعال سیرک است و آنها تماشاگر هستند و گویی بازی است و آنها بازی می کنند.

(قَوْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ) [۱۲] (پس وای بر تکذیب کنندگان در آن روز، آنان که به یاهو سرگرم اند). (طور، ۱۲)

گزیده ای از بیانات امام احمد الحسن علیه السلام در روز عید غدیر سال ۱۴۴۲ق، گروه الدعوة المهدویة

سید احمد الحسن علیه السلام:

همه دین دارانی که به آنچه از انبیاء علیهم السلام وارد شده یا روایت شدنشان از نظرشان صحیح است استناد می کنند، به این نکته اقرار دارند این روزها، روزهای قیامت صغری و ظهور اصلاحگر علیه السلام جهانی مورد انتظار است.

(حاکمیت الله، نه حاکمیت مردم)

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان! فرستاده ایلایا آمده است.

ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.